

بحثی کوتاه راجع به رکن معنوی جرم جعل اسناد در حقوق موضوعه ایران

پیمان نمایان (کارشناس حقوق)

طرح موضوع:

عنصر معنوی در قانون با کلمات عمدی، عمداً، عامداً، به قصد، به قصد سوء، با سوءنیت، با علم، عالماً، عامداً و ... مشخص شده است.

عنصر معنوی یا سوءنیت، یعنی فکر بد و در حقوق جزا، فکر بد، فکر نقض و خلاف قانون است. از این رو سوءنیت را یقین بر حصول نتیجه مجرمانه تعریف نموده‌اند که امری است موضوعی نه حکمی.^(۱)

سوءنیت از آنجایی که با قصد و اراده که کاملاً جنبه روانی دارند ارتباط دارد فقط در مورد اشخاص حقیقی مصداق دارد. از این رو به آن عنصر روانی نیز اطلاق می‌شود. علم و آگاهی مقدم بر قصد و اراده است و برای تحقق عنصر روانی جرم، تقارن علم و آگاهی با قصد و اراده و تظاهر عینی و خارجی آنها لازم است. فقدان علم، جهل است و جهل در موضوع بر خلاف جهل در حکم، رافع مسئولیت کیفری می‌باشد. اراده ارتکاب جرم را سوءنیت عام و خواستن نتیجه مجرمانه را سوءنیت خاص می‌نامند.^(۲)

عمد یا خواست نقض قانون به دو صورت ممکن است باشد:

۱- خواست به فعل تعلق می‌گیرد. (عمد در فعل یا اراده ارتکاب)

۲- خواست به تحصیل نتیجه تعلق می‌گیرد.

جزء اول بدون جزء دوم امکان وجود دارد، ولی برعکس آن امکان پذیر نیست.^(۳)

قابلیت انتصاب، پایه اصلی مسئولیت جزایی است. وجود وظیفه، حد انجام یا ترک عمل اطلاع از وجود وظیفه و توانایی انجام آن نیز شرط تحقق مسئولیت می‌باشد. مبنای مسئولیت کیفری نیز عبارت است از: بلوغ، عقل (اراده) و اختیار می‌باشد.^(۴)

با فقدان هر یک از این مبانی، مسئولیت کیفری منتفی است و مرتکب وارد در قلمرو کیفری نمی‌شود. موانع مسئولیت کیفری عبارتند از: صغر، جنون، اجبار و اکراه، جهل و اشتباه، مستی و بیهوشی.

طرق اختلال در مبانی مسئولیت کیفری قابل احصا و شمردن نیست و نیازی هم به احصای آنها نیست؛ زیرا مسئولیت و مبانی آن مسبوق به بحث جرم می‌باشند.

انگیزه حسب مورد ممکن است موجب تخفیف مجازات (انگیزه شرافتمندانه بند سوم از ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی) یا تشدید مجازات (انگیزه غیرموجه) یا زوال وصف مجرمانه (سقط جنین برای حفظ حیات مادر) یا تعلیق مجازات (ماده ۲۵ ق. م. ا) گردد.

بحث اول:

جرم جعل از جمله جرایم مادی صرف نمی‌باشد، بلکه نیازمند عنصر روانی است، که بدون احراز آن امکان تعقیب سازنده یا تغییر دهنده سند، نوشته یا چیز دیگری تحت عنوان جرم جعل وجود ندارد. بنابراین، « قانون تعزیرات» در انتهای ماده (۵۲۳)، که به بیان مصادیق جعل پرداخته، قید «به قصد تقلب» را افزوده است. شعبه سوم دیوان عالی کشور نیز در یکی از آرای صادرشده خود در مورد قصد مجرمانه در جعل مقرر داشته است: «سوءنیت از عناصر لازمه جرم جعل به شمار می‌رود».^(۵) در رأی دیگری، عمل کسانی که به دستور دیگران و با حسن نیت مٌهر می‌سازند چون اطلاعی ندارند، جعل محسوب نشده است.^(۶) اداره حقوقی قوه قضاییه هم طی یک نظریه مشورتی شماره ۷/۸۱۶ مورخ ۱۳۷۲/۲/۲۰، که راجع به صدور چک از حساب دیگری است، اظهار داشته است: « عنصر معنوی جعل همیشه سوءاستفاده از سند مجعول است « که به نظر می‌رسد منظور از آن « قصد سوءاستفاده از سند مجعول» باشد.

البته می‌بایست متذکر شد که قصد تقلب مذکور در قسمت اخیر ماده (۵۲۳) حائز اهمیت است. به طوری که اولاً: نقاشی اسکناس یا شبیه سازی هر سندی برای هنرنمایی یا شوخی و

سرگرمی جرم جعل نیست؛ ثانیاً: قصد تقلب در جعل نسبت به طرفی است که از جعل زیان می‌بیند، نه نسبت به کسانی که از جعل منتفع می‌گردند.

رویه قضایی فرانسه در بیشتر موارد، صرف احراز این امر که اوراق جعلی آگاهانه ساخته شده‌اند برای تحقق جعل کافی می‌داند و به واسطه وجود و یا عدم همین آگاهی نویسنده است که مسئولیت کیفری بین نویسنده و دستوردهنده را تعیین می‌کند؛ زیرا اگر کسی به دستور دیگری و با حسن نیت سند جعلی بسازد و اطلاعی از جعل نداشته باشد، جاعل محسوب نمی‌شود و دستوردهنده جاعل اصلی است. برعکس، اگر مباشر آگاهانه مرتکب جعل شود او ممکن است بر حسب مورد مجرم شناخته شود.^(۷)

بحث دوم:

برای تحقق جرم جعل علاوه بر عمل تحریف حقیقت در یک نوشته یا سند به یکی از طرق پیش‌بینی شده در قانون که قابلیت اضرار نیز داشته باشد، وجود قصد متقلبانه الزامی است و این قصد تقلب و سوءنیت مبتنی است بر آگاهی مرتکب به نفس عمل قلب حقیقت و این که در نتیجه قلب حقیقت ممکن است ضرری مادی یا معنوی متوجه شخص دیگری یا اجتماع بشود.

به عبارت دیگر، برای تحقق، از یک طرف، باید قصد ساختن و تغییر دادن محرز شود و از طرف دیگر، مرتکب باید قصد خاص فریب دادن دیگران را از این که سند یا نوشته یا چیز مجعول دیگری را به عنوان اصل قبول نماید و از این طریق به ضرر خود عمل نمایند، داشته باشد. بنابراین، هرگاه طرف عمداً نوشته یا سندی را جعل نماید اما قصد خندانیدن دیگران یا هنرنمایی و نظایر آنها باشد، جاعل محسوب نمودن وی دچار اشکال خواهد شد.^(۸) بدیهی است، با توجه به اینکه سوءنیت خاص به عنصر نتیجه بر می‌گردد و نتیجه در جرم جعل اعم است از ضرر مادی یا معنوی، قصد ایراد هر نوع ضرر، اعم از مادی و معنوی، به عنوان سوءنیت خاص جرم جعل کفایت می‌کند. همین طور چون ضرر، اعم از مادی و معنوی، لزوماً به کسی که سند

به نام او ساخته شده است وارد نمی‌شود. برای تحقق سوءنیت خاص نیز قصد ایراد ضرر به چنین شخصی ضرورت ندارد، بلکه جاعل می‌تواند قصد ایراد ضرر به دیگری را داشته باشد. مثل اینکه کارمند بانک فریب خورده و یا چک مجعول از محل وجوه بانک به جاعل پول بدهد.^(۹)

بحث سوم:

منتفع شدن یا قصد منتفع شدن شخص جاعل ضرورت ندارد. بنابراین، قصد استفاده بردن دیگران هم کفایت می‌کند. همان‌طور که در رأی شماره ۲۹۰۴ مورخ ۱۳۱۹/۹/۱۰ شعبه دوم دیوان عالی کشور آمده: «در بزه جعل حتماً شرط نیست که شخص مرتکب استفاده نماید، بلکه با تحقق سایر ارکان و عناصر بزه مذکور، اگر استفاده غیر هم، ولو به نحو امکان و قابلیت محرز گردد، عمل جعل خواهد بود.»^(۱۰) در این مورد تفاوتی نمی‌کند که آن دیگری ارتکاب عمل جعل توسط جاعل را تشویق کرده یا اساساً از این امر بی‌اطلاع بوده باشد.^(۱۱)

البته بدیهی است که در حالت اول، وی معاون در عمل جعل خواهد بود. از این گذشته، هر چند که ضرر و فایده در واقع دو روی یک سکه هستند و معمولاً ضرر دیدن قربانی توأم با نفع بردن جاعل یا شخص دیگری است، لیکن در جعل، بر خلاف کلاهبرداری، قصد انتفاع، چه برای شخص جاعل و چه برای شخص ثالث، اساساً ضرورتی ندارد و همین که جاعل قصد ایراد ضرر به قربانی، اعم از مادی یا معنوی را داشته باشد و بدون توجه به اینکه آیا قصد وی محقق شده است یا خیر، کفایت می‌کند.

نکته دیگری که می‌بایست در ارتباط با عنصر قصد و نیت به آن توجه نمود، این است که در اینجا نیز همانند سایر جرایم، این عنصر معمولاً از رفتار مرتکب استنباط می‌شود.

بالاخره، از جرم شناختن عمل جعل به طور مستقیم به وسیله قانونگذار می‌توان این طور نتیجه گرفت که مرتکب جرم حتی اگر استفاده از مورد جعل هم ننماید، باز قابل مجازات است.

بحث چهارم

مسئله «داعی و غرض در مسئولیت کیفری جاعل مؤثر نیست»^(۱۲)، مثل اینکه کسی به انگیزه بردن مال ثروتمندان و تقسیم آن بین فقرا مرتکب جعل سند شود. چنین انگیزه ای حداکثر ممکن است، به استناد بند سوم ماده (۲۲) ق.م.ا، مصوب ۱۳۷۰ از زمره عوامل و کیفیات مخففه محسوب شود. همین طور اگر کسی که از دیگری طلبکار است به انگیزه مجبور کردن وی به پرداخت بدهی اش یک حکم قضایی به نفع خود جعل و آن را به دیگری ارائه کند، تحقق جعل و استفاده از سند مجعول بعید به نظر نمی رسد؛ چراکه در هر حال ورود ضرر به نظام اداری و قضایی در نتیجه این عمل محتمل بوده است، و وی با علم به این موضوع مرتکب جعل شده است.

نیت مجرمانه باید در لحظه ارتکاب جعل وجود داشته باشد تا شرط «تقارن عنصر مادی با عنصر روانی» محقق گردد.^(۱۳) بنابراین، هرگاه سندی را که به نام دیگری است به تصور اینکه به نام خود اوست و با حسن نیت امضا کرده و سپس از آن به عنوان سند امضا شده توسط دیگری استفاده کند، امضا کردن وی را نمی توان جعل دانست، هر چند که استفاده بعدی از آن می تواند استفاده از سند مجعول تلقی شود؛ چراکه در هر حال امضای سند مذکور مجعول بوده و عمل استفاده از آن نیز به وقوع پیوسته است.^(۱۴)

بحث تکمیلی و پایانی

در مورد اسنادی که از حقوق عمومی بوده و قانون برای تهیه و تنظیم آنها تشریفات خاصی را در قوانین و مقررات مختلف پیش بینی کرده است، استدلال می شد که جعل و تزویر در آنها قابل گذشت نبوده و حتی قانونگذار تعلیق مجازات را هم منتفی دانسته است. بنابراین، رضایت شاکی موجب تخفیف کیفر و مجازات مقرر در قوانین می گردید؛ ولی جعل در اسناد عادی حق الناس بوده و قابل گذشت تلقی می شد.^(۱۵) در حال حاضر با توجه به ماده (۷۲۷) قانون مجازات اسلامی، کلیه مصادیق و موارد مختلف جعل و تزویر اعم از جعل در اسناد عادی و یا

رسمی غیر قابل گذشت بوده و عفو و رضایت در اجرای ماده (۲۲) قانون فوق فقط ممکن است از موجبات مخففه باشد.

پی نوشت‌ها:

- ۱_ باهری، محمد، درس حقوق جزای عمومی، ص ۱۵۷.
- ۲_ صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، جلد اول، انتشارات گنج دانش، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۱، ص ۳۱۸.
- ۳_ آزمایش، علی، تقریرات درس حقوق جزای اختصاصی، سال تحصیلی ۷۶-۷۵ دانشگاه تهران.
- ۴_ مصلاهی، علیرضا، قانون مجازات اسلامی در نظام جزایی کنونی، انتشارات آیلا، چاپ دوم، ۱۳۸۱، ص ۱۵.
- ۵_ رأی شماره ۲۹۲ مورخ ۱۳۲۰/۱/۳۱ شعبه دوم و رأی شماره ۴۰۳ مورخ ۱۳۲۰/۹/۳۰ شعبه پنجم دیوان عالی کشور، مذکور در: احمد متین، مجموعه رویه قضایی (تهران، ۱۳۳۰)، ص ۱۰۳ و همین‌طور نگاه کنید به: آرای شماره ۱۵۵۵ مورخ ۱۳۲۰/۵/۲۹ شعبه دوم و ۶۷۱ مورخ ۱۳۲۱/۳/۷ شعبه پنجم دیوان عالی کشور، مذکور در: ضیاءالدین پیمانی، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۷۷، ص ۱۲۰.
- ۶_ رأی شماره ۹۶۷۴ مورخ ۱۳۱۶/۴/۱۰ شعبه دوم دیوان عالی کشور مذکور در: محمد سلیمان‌پور، جعل اسناد در حقوق ایران و از نظر حقوق تطبیقی، انتشارات گنج دانش، ۱۳۴۱، ص ۱۱۹.
- ۷_ گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم، ۱۳۸۰، ص ۵۴۶.
- ۸_ میرمحمدصادقی، حسین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی (مطالعه تطبیقی) نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۱، ص ۳۱۲.
- ۹_ میرمحمدصادقی، حسین، همان منبع.
- ۱۰_ متین احمد، پیشین، ص ۱۰۸.

۱۱- see: Smith and Hogan, Criminal Law, Butterworths, ۷th ed, London, ۱۹۹۲, P. ۶۷۰.

۱۲- رأی شماره ۹۶۷۴ مورخ ۱۳۱۰/۴/۱۰ دیوان عالی کشور.

۱۳- جهت اطلاعات بیشتر در زمینه تقارن زمانی عناصر مادی و روانی جرم، ر. ک: جرایم علیه

اموال و مالکیت، حسین میرمحمدصادقی، نشر میزان، چاپ ششم، ۱۳۷۸، ص ۲۵۵.

۱۴- میرمحمدصادقی، پیشین، ص ۳۱۵.

۱۵- نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه در زمینه مسائل کیفری، از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۱، جلد اول،

تدوین غلامرضا شهری و سروش جهرمی، شماره ۳۳۳، ص ۲۶۷.